

هنر طنزپردازی در لحظه

کیوان بالسرایی

اشاره:

به نظر شما این موضوع که می‌گویند ایرانی‌ها، آدم‌های شوخ طبع و طنزازی هستند، چقدر واقعی است؟

این ادعا را قبول دارید یا گمان می‌کنید این حرف‌ها ساخته و پرداخته ذهن خود ما ایرانی‌هاست که به قول معروف می‌خواهیم به خودمان حال بدهیم و هندوانه زیر بغل خودمان بگذاریم و به خودمان نان قرض بدهیم و از این دست حرف‌ها...؟!

در این مطلب، به همراه شما دلایلی که شاید ثابت کند ما ایرانی‌ها خیلی شوخ طبع هستیم را بررسی می‌کنیم. همچنین نگاهی خواهیم داشت به آفت‌های محتمل برای این خلق و خوی‌مان!

■ ■ ■

۱. ایرانی، طنزپردازی قوی!

کافی‌ست یک اشتباه نسبتاً بزرگ رخ دهد. در عرض کمتر از ۲۴ ساعت سوژه پیامک‌ها و شبکه‌های اجتماعی ما خواهد شد و حالت‌های مختلف مضحک و طنز برای آن مطرح می‌شود.

به عنوان مثال، یکی از جدیدترین این اتفاقات، مربوط به پخش زنده مسابقات لیگ جهانی والیبال بود که در جریان بازی ایران و ایتالیا، یکی دو صحنه که اتفاقاً مشکل اخلاقی و گشت ارشادی ویژه‌ای هم نداشتند اما معمولاً در صدا و سیما می‌روند، از دست آقای سانسورچی در رفت و چند روزی خوراک جوان‌های ما را در شبکه‌های اجتماعی فراهم کرد:

«پیامک رئیس سازمان صدا و سیما به مسئول سانسور: خوابی؟!»

نمونه‌های زیادی از این دست معمولاً هر هفته و هر ماه رخ می‌دهد که نشان می‌دهد ایرانی جماعت، فقط منتظر خوراک خبری و سوژه بروز است! تا سوژه را بگیرد، الباقی را خودش آباد کند!



۲. اعتراض دارم یا؟

یک ضرب‌المثل معروفی بین ما ایرانی‌ها هست که می‌گوید «همیشه نصف شوخی، جدی است». خب این حرف، پر بی‌راه هم نیست. روان‌شناسان و طنزپردازان حرفه‌ای که عمری را صرف طنز کرده‌اند هم بر همین عقیده‌اند و تاکید دارند که «طنز» یکی از بهترین ابزارها برای بیان اعتراضات اجتماعی و سیاسی و... است. اعتراضی که برخلاف سایر اعتراض‌ها، جنسی خشن و زننده ندارد.

به عنوان مثال، روزهای اولی که یازدهمین رئیس‌جمهور کشور انتخاب شد، موجی از پیامک‌ها و پست‌های کوتاه اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی راه افتاد که با شکل و شمایل جذابی و با دوز نمک قابل قبول، به برخی مشکلات اجتماعی و اقتصادی و... طعنه می‌زدند.

«میگن با شروع دوره ریاست جمهوری روحانی، از این به بعد نیشان‌های آبی، قبل از پیچیدن، راهنما می‌زنن! روحانی مُچکریم!» یا «میگن تو دوره روحانی، تمام سوراخ‌های نان سنگک پر خواهد شد، روحانی مُچکریم!» یا «رفتم مغازه پنیر بخرم، فروشنده میگه برو بخور، اگه دوست نداشتی بیا تا عوض کنم! روحانی مُچکریم!» و «سوار تاکسی شدم ۱۰ هزار تومنی دادم، راننده پول خورد داشت، روحانی مُچکریم!» البته مواردی از این دست بسیارند اما مهم این است که تک‌تک‌شان طعنه به یکی از مسائل روزمره‌ای دارند که ممکن است روزانه با آن‌ها سر و کار داشته باشیم.



۳. معلم‌ن هستیم که شوخه‌هایمان سالم هستند؟

هنوز سال‌های زیادی از آن دوره‌ها نگذشته که مردم در شب‌نشینی‌هایشان و یا در محفل‌های دوستانه‌ای که داشتند، بخشی از مدت زمانی که کنار هم بودند را به شوخی و خنده سالم پر می‌کردند. جنس شوخی‌ها به حدی سالم بود که آدمیزاد جرأت می‌کرد آن‌ها را در جمع خانواده هم مطرح کند و فضای خانه را کمی بشاش‌تر کند.

اما کم‌کم مسیر شوخی‌ها هم مثل خیلی از مسائل این دوره و زمانه تغییر کرد و به جاده‌ای افتاد که دیگر خیلی‌ها جرأت مطرح کردن شوخی‌های مرسوم را در یک جمع خانوادگی ندارند.

کم‌کم جنس شوخی‌های برخی از جوانان به سمتی رفت که انصافاً می‌توان نام «شوخی مبتذل» را برای آن دسته از شوخی‌ها برگزید.

ساخت و انتشار پیامک‌هایی با محتوای غیر اخلاقی و گذاشتن القاب و صفات ناشایست روی اسم برادر و خواهر دینی‌مان، یکی از آن شوخی‌های بی‌نمک و غیر اخلاقی‌ست که الحق و انصاف به دور از اخلاق و مرام یک مسلمان است. به عنوان مثال... چطور است در این مورد خاص، مثالی نزنیم؟! حتی مثال‌ها را هم نمی‌توان بیان کرد.

متأسفانه حرفه‌های رکیکی که تعداد بسیار اندکی از جوانان و نوجوانان موقع صدا زدن همدیگر با بیان آن‌ها همدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهند و اسم این کار را شوخی

می‌گذارند، نمونه بارز این اتفاق تلخ است که با کمال تأسف بین این گروه قلیل مرسوم است و با توجیه با جنبه بودن و... سعی در توجیه کار ناشایست خود دارند.



۴. شوخه‌های قومه قبیلہ‌ای

این مورد هم مثل مورد بند قبلی بوده و در حقیقت نمی‌توان واژه «شوخی صحیح» را به آن اتلاق کرد. البته این مورد فقط مربوط به سال‌های اخیر نیست و ریشه آن حتی به دهه‌های پیشین باز می‌گردد.

نسبت دادن صفت یا لقب ناپسند خاصی به مردم شریف استان‌های کشور، از آن جنس شوخی‌های غیر قابل تحمل است که گاه در محیط کاری یا محافل و مجالس ممکن است بین گوینده و مخاطب این شوخی ناپسند، کنورتی عمیق ایجاد کند.

خوشبختانه طی یکی دو سال گذشته موج با ارزشی در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها و... به راه افتاده که تا حدودی گویندگان این شوخی‌های ناپسند را شرمند کرده. «یه روز یه ترکه... که خیلی هم لهجه غلیظی داشت؛ انقدر درس خوند و پیشرفت کرد تا بالاخره تبدیل شد به محقق موفق که اولین کپسول زیستی ارسال فضانوردان به فضا را اختراع کند».

«یه روز یه بچه لره... به دلیل فقر، مادرش را که از بیماری کبد رنج می‌برد از دست داد. این بچه لره، انقدر تحت تأثیر از دست دادن مادرش قراز گرفت که تصمیم گرفت تمام توانش رو برای ادامه تحصیل بکار بگیره و بالاخره بعد از سال‌ها تبدیل شد به بهترین جراح کبد خاورمیانه».

۵. حد و مرز شوخی کجاست؟

اجازه بدهید برگردیم به بحثی که در ابتدای مطلب داشتیم. ما ایرانی‌ها خلاق شوخ طبعی هستیم.

حالا که انقدر شوخ طبع هستیم و از طرفی هم آفت‌های متعدد شوخی را می‌دانیم (که فقط برخی از آن موارد در این مطلب ذکر شد) چه کنیم که حد و مرز شوخی را رعایت کرده باشیم؟

این مسأله یک قاعده بسیار ساده دارد و آن هم رعایت کردن موارد زیر است:

۱. هرگز موقع شوخی، شکاک در نیاورید! این کار شخصیت و شایستگی خودتان را زیر سوال می‌برد.

۲. هیچ وقت تلاش نکنید در یک جمع دوستانه یا یک جمع خانوادگی، با خرد کردن شخصیت شخص دیگر، حُضار را بخندانید! این کار شخص قربانی و سایر حاضرین در مجلس را در آینده نسبت به شما بدبین می‌کند.

۳. به یاد داشته باشید که یک فرد متشخص هرگز برای خنداندن دیگران از بکار بردن الفاظ رکیک و نسبت دادن آن به مخاطبش استفاده نمی‌کند. بلکه هنر، یک فرد پدله‌گو، طنزپردازی در لحظه است. زمانی که شما از همان موقعیتی که در آن قرار دارید، فضایی طنزآلود خلق کنید، مطمئناً در ذهن اطرافیان‌تان یک مثبت بزرگ کنار اسم‌تان دریافت خواهید کرد که همیشه از دیدن شما در مجالس و مهمانی‌ها خوشحال خواهند شد.

کافی‌ست یک اشتباه

نسبتاً بزرگ رخ دهد.

در عرض کمتر از ۲۴

ساعت سوزه پیامک‌ها

و شبکه‌های اجتماعی ما

خواهد شد و حالت‌های

مختلف مضحک و طنز

برای آن مطرح می‌شود.



هنوز سال‌های

زیادی از آن دوره‌ها

نگذشته که مردم در

شب‌نشینی‌هایشان و یا

در محفل‌های دوستانه‌ای

که داشتند، بخشی از

مدت زمانی که کنار هم

بودند را به شوخی و

خنده سالم پر می‌کردند.

جنس شوخی‌ها به حدی

سالم بود که آدمیزاد

جرأت می‌کرد آن‌ها را در

جمع خانواده هم مطرح

کند و فضای خانه را کمی

بشاش‌تر کند.

اما کم‌کم مسیر شوخی‌ها

هم مثل خیلی از مسائل

این دوره و زمانه تغییر

کرد و به جاده‌ای افتاد

که دیگر خیلی‌ها جرأت

مطرح کردن شوخی‌های

مرسوم را در یک جمع

خانوادگی ندارند.